

مرگ مادر به خاطر پسری که ۳ بار پای چوبه دار رفت

دو جوان متهم به قتل که در پرونده‌هایی جداگانه مرتکب قتل شده بودند، در حالی با رضایت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کردند که از مصائب و سختی‌هایی که در این دوران تحمل کرده‌اند گفتند و خواستار بخشش از سوی دادگاه بودند. در اولین پرونده، پسر جوانی که در پی اعتیاد و برای به‌دست‌آوردن پول مرتکب قتل شده بود، پای میز محاکمه رفت. او گفت سه‌بار پای چوبه دار رفته و مادرش را به‌خاطر این اتفاق از دست داده است.

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از شرق بر اساس محتویات پرونده، سوم تیرماه سال ۸۸ مأموران پلیس باخبر شدند خودرویی در خیابان فدائیان اسلام آتش گرفته است و بعد از اطفای حریق جسد مردی را از درون آن بیرون کشیدند. به‌این ترتیب مأموران خود را به محل حادثه رسانده و تحقیقات را آغاز کردند. بررسی‌های اولیه نشان داد این مرد جوان کیان نام دارد و صاحب فرزند و همسر است و تابه‌حال سابقه‌ای هم نداشته. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، خانواده مرد جوان برای تحقیقات به دادسرا احضار شدند. آنها جسد کیان را شناسایی کردند و گفتند مدتی بود که او برای پیدا کردن خانه به بنگاه‌های مختلف می‌رفت. در این میان دختر کیان گفت: روز حادثه از بنگاه با پدرم تماس گرفته شد و قرار بود متصدی بنگاه خانه‌ای را به او نشان دهد. پدرم رفت و دیگر برگشت. وقتی مأموران به سراغ متصدی بنگاه رفتند، او ابتدا منکر خبرداشتن از سرنوشت کیان شد، اما وقتی که دید مأموران اطلاعات زیادی در مورد او دارند، گفت: او به بنگاه آمد و به من مبلغ سه میلیون و ۲۵۰ هزار تومان پول داد که خانه را برایش اجاره کنم، اما بعد از رفتنش مردی با پژو یشمی‌رنگ آمد و پول را از من خواست و گفت برادر مقتول است و می‌خواهد برای او خانه بخرد. وقتی که مأموران در این باره از خانواده کیان پرسیدند، آنها گفتند عمویشان پژو یشمی ندارد و اصلاً در جریان مسئله اجاره خانه آنها هم نبوده است. این در حالی بود که مأموران متوجه شدند پژو یشمی متعلق به پدر متصدی بنگاه است. وقتی ماشین را مورد بازرسی قرار دادند، یک چوب سوخته و کمی بنزین از صندوق عقب ماشین پیدا کردند و کاوه، متصدی بنگاه، را بازداشت کردند. او ابتدا اتهام را قبول نکرد و مدعی شد یکی از دوستانش کیان را کشته است، اما بعد قتل را پذیرفت و گفت: مقتول به همسرم متلک گفته بود و من هم به‌همین دلیل او را به قتل رساندم. وقتی تحقیقات مأموران نشان داد مقتول اصلاً همسر کاوه را نمی‌شناخته، متهم مجبور شد واقعیت را بگوید. او گفت: من به‌خاطر پول این کار را کردم. روز حادثه مقتول را به بنگاه کشاندم و پول را از او گرفتم و بعد با کمک دوستم و پسرعمویم او را با طناب خفه کرده و جسدش را داخل ماشین گذاشتم و ماشین را به آتش کشیدم. بعد از اعتراف متهم و دستگیری سایر متهمان، پرونده برای رسیدگی به شعبه چهار دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهمان پای میز محاکمه رفتند و از خود دفاع کردند. کیان در این باره گفت: من اتهام را قبول دارم و خواستار بخشش هستم و درخواست دارم اولیای دم به‌خاطر فرزندم من را ببخشند. با این حال اولیای دم حاضر به گذشت نشدند و حکم بر قصاص متهم ردیف اول و زندان برای دو متهم دیگر صادر شد. رأی صادره مورد تأیید دیوان عالی کشور قرار گرفت و متهم پای چوبه دار رفت، اما با مهلتی که اولیای دم دادند برگشت. در نهایت بعد از اینکه متهم سه‌بار پای چوبه دار رفت، اولیای دم حاضر به گذشت شده و او را بخشیدند. روز گذشته متهم به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد. او وقتی پشت تریبون قرار گرفت تا از خود در برابر اتهام قتل دفاع کند، گفت: زمانی که این اتفاق افتاد، من تازه ازدواج کرده بودم و همسرم باردار بود. دو ماه بعد از زندانی شدنم، فرزندم به دنیا آمد و زن و بچه‌ام آواره شدند. من آن زمان مواد می‌کشیدم و به‌خاطر مواد این اتفاق افتاد. وقتی بار اول پای چوبه دار رفتم، مادرم همان لحظه سگته کرد و اولیای دم حاضر شدند به من فرصت بدهند. مادرم زمین‌گیر شد و بعد از آن نتوانست حتی خودش را اداره کند. بار دوم هم وضعیت مادرم بدتر شد و بار سوم که پای چوبه دار رفتم، مادرم جانش را از دست داد و حالا من سیاه‌پوش هستم. اولیای دم وقتی که دیدند مادرم را از دست داده‌ام، با پرداخت دیه موافقت کردند.

متهم گفت: من وضعیت بسیار بدی دارم و خانواده‌ام هم همه چیزشان را از دست داده‌اند و درخواست بخشش دارم. با پایان جلسه رسیدگی، هیئت قضات وارد شور شدند و متهم را به ۱۰ سال حبس محکوم کردند. در پرونده دیگر، پسر جوانی که به خاطر یک هندزفری، دوستش را به قتل رسانده بود، پای میز محاکمه رفت. او در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: من و مقتول دوستان صمیمی هم بودیم. او هندزفری من را گرفته بود و نمی‌داد. من از او خواهش کردم که آن را بدهد، اما قبول نکرد و زیر بار نمی‌رفت. روز حادثه سر این موضوع با هم دعوا کردیم. من با ضربه‌ای او را به قتل رساندم. من شش سال در زندان بودم و اولیایم می‌خواستند من را قصاص کنند. خانواده‌ام خیلی زحمت کشیدند که این اتفاق نیفتد و من درخواست بخشش دارم. با پایان گفته‌های متهم، قضات برای تصمیم‌گیری در خصوص این پرونده نیز وارد شور شدند.

منتشرکننده: زهره حاجیان

۷۰۰۷۰۰